

فهرست عناوین

۷	فصل نخست: نظریه‌ها	۷۶
۹	سینما	۷۶
۱۰	ماهیت سینما: (به‌عنوان هنر)	۷۶
۱۳	صدا	۷۶
۱۳	مخالفین صدا	۷۶
۱۳	موافقین صدا: (که محتاطانه آن را پذیرفتند)	۷۶
۱۴	سینما و ادبیات	۷۶
۱۶	جنبش امپرسیونیستی فرانسه: تأثرگرایی	۷۶
۱۹	ویچل لیندزی	۷۶
۲۰	ریچوتو کانادو	۷۶
۲۱	هوگو مانستربرگ	۷۶
۲۳	روان‌شناسی گشتالت	۷۶
۲۴	نظریه‌ی فیلم کلاسیک	۷۶
۲۴	آیزنشتاین	۷۶
۲۵	رنالیست‌ها	۷۶
۲۵	رودلف آرنه‌هایم	۷۶
۲۸	سینمای شوروی	۷۶
۲۹	سیک مونتاژ و ساختار روایی فیلم‌های مونتاژ	۷۶
۳۰	رنالیسم سوسیالیستی	۷۶
۳۱	کنستروکتیویسم	۷۶
۳۲	سرگئی آیزنشتاین	۷۶
۳۵	آیزنشتاین: (ویژگی‌های سینمای شوروی و مقوله‌ی مونتاژ آیزنشتاینی):	۷۶
۳۷	ژیکاورتف	۷۶
۳۹	فرمالیسم: (روسی) - (۱۹۳۰-۱۹۱۴)	۷۶
۴۰	فرمالیسم متأخر: (باختین - ژولیا کریستووا و ...)	۷۶
۴۱	مکتب پراگ	۷۶
۴۱	مکتب شیکاگو	۷۶

- ۴۲ ساختگرایی
- ۴۳ نئوفرمالیسم
- ۴۳ فرمالیسم روسی و مکتب باختین
- ۴۴ آندره بازن (۱۹۱۸-۱۹۵۸)
- ۴۸ کامر شپیل
- ۵۰ بوهوس
- ۵۰ فیلم کالت
- ۵۱ کانستراکتیویسم
- ۵۲ هایکو
- ۵۲ کابوکی
- ۵۳ نظریه‌ی بلابالاش
- ۵۶ اندرو ساریس
- ۵۸ موج نگره‌ی مؤلف
- ۶۰ موج نوی فرانسه
- ۶۱ علل و انگیزه‌های به‌وجود آمدن موج نو و زیبایی‌شناسی آن
- ۶۲ کریستین متز
- ۶۵ نشانه‌شناسی چیست؟ [علم نشانه‌شناسی] و سینما
- ۶۹ نشانه‌ها در سینما
- ۷۳ سینما و معماری
- ۷۳ رابطه‌ی سینما و شهر
- ۷۵ ژاک تاتی و معماری
- ۷۶ معماری بارک
- ۷۷ کاربرد هنری نور و رنگ در سینما
- ۷۷ درباره‌ی رنگ
- ۸۰ رودلف آرنهایم: (کاربرد هنری نور و فقدان رنگ)
- ۸۱ آرنهایم: (نور در سینما)
- ۸۳ بلابالاش (بلابالاژ): و [نکاتی در مورد فیلم رنگی]
- ۸۴ نور و رنگ در آثار برسون: (کاربرد رنگ در آثار برسون)
- ۸۶ ویژگی‌های آثار برسون
- ۹۲ ویژگی‌های آثار تارکوفسکی (صدا، تصویر ...)
- ۹۶ ۱- قرون وسطی
- ۹۶ ۲- رنسانس (۱۶۰۰-۱۴۰۰): جنبش اومانیزم
- ۹۷ ۳- بارک
- ۹۷ ۴- کلاسیک‌ها (۱۷۵۰-۱۸۲۰) عصر خرد:
- ۹۷ ۵- مدرنیست‌ها
- ۹۸ مایادرن
- ۱۰۰ مالی هاسکل
- ۱۰۱ مارجری روزن: (متولد ۱۹۴۴)

سینما:

آپاراتوس^۱ دستگاه: اسباب: (تکنولوژی سینما). «آپاراتوس در مقام دوربین، بیننده را در مقام یک چشم چران^۲ قرار می‌دهد، به‌عنوان همدستی در چرخش لذت که نقش بنیادینی در رونق مالی صنعت فیلم دارد.» (کریستین متز ۱۹۷۵).

(باودری ۱۹۷۰) از زمره نخستین نظریه‌پردازان فیلم بود که نشان داد آپاراتوس یا تکنولوژی سینمایی واجد تأثیری ایدئولوژیک بر بیننده است. باودری می‌گوید «بیننده از این نظر موقعیت یک سوژه همه‌چیز دان را پیدا می‌کند یا به عبارتی سوژه معلول متن فیلمیک است.»

چشم چرانی به معنی دزدانه نگاه کردن است، ما پول می‌دهیم و به سینما می‌رویم و در جایگاه یک چشم چران قرار می‌گیریم. هیز دزد (۱۹۶۰) فیلمی از مایکل پاول نمونه بارزی است از این مطلب و یا فیلمی از هیچکاک ... پنجره عقبی (پنجره‌ای رو به حیاط).

نظریه‌ی سینمایی: مجموعه‌ی فیلم‌های نظامی را (سینما) با خرده‌نظام‌هایش (گونه‌های سینمایی) تشکیل می‌دهند که نظریه‌پرداز باید به تحلیل آن بپردازد. در آمریکا نظریه‌ی سینمایی شناخته شده نظریه‌ی مؤلف است که دقیق‌تر یک روش نقادی است که بر بعضی از اصول نظری تکیه دارد. در نظریه‌ی فیلم (مؤلف) موضوع مطالعه‌ی یک فیلم و یک فیلم‌ساز است.

1. Apparatus
2. Gaze

پیدایش سینما: مصادف است با (مدرنیسم): و

۱. اوج امپریالیسم.
 ۲. ملی‌گرایی و ظهور مصرف‌گرایی.
 ۳. پیدایش روانکاوی.
 ۴. بحران در رئالیسم.
- نظریه‌ی فیلم در دوران سینمای صامت به مقولات زیر گرایش دارد و شهودی بود.
۱. آیا سینما هنر است یا وسیله‌ای است مکانیکی برای ضبط حرکت.
 ۲. اگر هنر است مشخصه‌ی آن چیست و تفاوت آن با سایر هنرها چه‌گونه است؟
 ۳. سینما هنر است یا تجارت؟
 ۴. سینما زبان است یا رؤیا؟
 ۵. سینما نخست تصویر است و سپس صدا و این نظریه‌ی ابتدایی فیلم است. در واقع بخش عمده‌ی نظریه‌ی ابتدایی فیلم به تعریف رسانه فیلم و رابطه‌اش با دیگر هنرها می‌پردازد. در نخستین دهه‌های سینما بخش اعظم نظریه‌پردازی در باره‌ی فیلم بدون شکل و امپرسیونیستی بود. نمونه‌ی آن در نوشته‌های ویچل لیندزی بود.
 ۶. موضوع نظریه‌ی فیلم (فیلم‌های تاریخ سینماست) و عملاً جنبه‌ی بین‌المللی دارد. توجه کنید به گفته‌ی الاشوهات که معتقد است رسانه‌ی سینما طیفی گسترده از علمی چون جغرافیا - تاریخ - انسان‌شناسی و فلسفه را شامل می‌شود.
- ماهیت سینما: (به‌عنوان هنر)**
۱. ژان اپشتاین [فیلم‌ساز و نظریه‌پرداز سینما] (۱۹۵۳-۱۸۹۷). لهستانی‌الصل - زندانی گشتاپو ... مقیم در فرانسه.
- ژان اپشتاین مفهوم سینمای ناب را مطرح کرد. فیلم‌ساز در کتاب سینما و معانی جدید اصطلاح مؤلف را برای فیلم‌سازان به‌کار برد.
- برای اپشتاین نمای نزدیک روح سینما بود. اپشتاین در جایی فتوژنی را مطرح می‌کند و آن را این‌گونه تعریف می‌کند «جنبه‌ای از اشیاء، موجودات یا افراد که شخصیت اخلاقی‌شان با باز تولید فیلمی ارتقاء می‌یابد.»

ژان اپشتاین در سلام سینما (۱۹۲۱) از سینما به‌عنوان وحی دینوی و ابزار تحریک